

ماہنامہ وحدید

علمی . ادبی . استادی . اجتماعی

تیشہ‌ای کہ بریشہ فرهنگ زده شد

در دورہ فترت اخیر یعنی از ۱۹ اردی بہشت ۱۳۴۰ تا ۱۴ مہر ۱۳۴۲ در وزارت فرهنگ اقدامی بعمل آمد کہ باید آنرا از معاصی کبیرہ دانست . دانش سراہای مقدماتی را کہ قانون ۱۹ اسفند ۱۳۱۲ بوجود آورده و دولت را مکلف بحفظ وادارہ آن نموده است منحل کردند وباین ترتیب وسیلہ مؤثر ومدام تربیت آموزگار را از بین بردند وبریشہ فرهنگ بیرحمانہ تیشہ زدند وچنان لطمہ‌ای وارد ساختند کہ سالہا جبران آن امکان پذیر نخواهد بود . دروزارت فرهنگ چند تن از فرهنگ امروز جهانی بی خبر کہ چند صباح

دکتر عیسی صدیق
استاد دانشگاہ تہران

به نقطه ای از مغرب زمین دعوت شده گـردش سطحی در چند اداره و مدرسه آنجا نموده اند بخیال آنکه تجدیدی بوجود آورند انحلال دانشسراها و مقدماتی را بوزیر فرهنگ پیشنهاد کردند. وزیر فرهنگ نیز که مجال تفکر و بررسی ندارد آن پیشنهاد را تصویب و بموقع اجرا گذاشت!

نتیجه عمل مذکور اینست که امروز در مملکت ما برای تربیت آموزگار دستگاه ثابت و سودمند و مؤثری وجود ندارد و آنچه هم کلاس تربیت معلم نامیده میشود و ظاهراً هر سال سه چهار ماه تشکیل میشود، نه وظیفه تربیت را انجام میدهد نه تعلیم را بلکه وسیله ایست برای فریفتن و اعتبارات فرهنگی را تقسیم کردن . برای پی بردن بحقیقت مطلب و عظمت گناهی که مرتکب شده اند باید مختصری راجع بدانش سراها و کلاس «تربیت» معلم بیان شود تا خوانندگان گرامی متوجه شوند چه مؤسسه مفید و ضروری را از دست داده اند و چگونه آینده فرهنگ تیره و تار شده است .

از یکصد و پنجاه سال قبل زمامداران مملکت و زعمای قوم که میخواستند از فرهنگ جدید مغرب زمین استفاده کنند و علوم و فنون و صنایع اروپا را در ایران وارد سازند متوجه شدند که تنها وسیله این کار تربیت معلم است . عباس میرزا - نایب السلطنه نخستین کسی است که به تربیت معلم عمت گماشت و فتحعلی شاه و محمدشاه و ناصرالدین شاه هر یک در حدود مقدورات عده ای محصل بخارجه اعزام داشتند و عده ای معلم و مشاق و افسر از فرانسه و انگلیس و تریس استخدام کردند و این امر تا انقلاب مشروطه کم و بیش جریان داشت .

از آغاز دوره مشروطه به تربیت معلم توجه بیشتری معطوف شد. در دوره دوم قانون گذاری در ۱۲۹۰ خورشیدی در زمان وزارت حکیم الملک قانونی بتصویب رسید که سی نفر محصل اروپا بفرستند که پانزده نفر آن برای رشته معلمی باشد که بلافاصله بموقع اجرا درآمد. آن پانزده نفر اغلب در دانشسراهای فرانسه تربیت شدند و عده ای از آنها در ۱۲۹۴ خورشیدی بایران بازگشتند و در مدرسه دارالفنون و علوم سیاسی بتدریس و در وزارت فرهنگ مشغول کار شدند .

در نتیجه زحمات پیشوایان روشنفکر در اواخر جنگ جهانی اول همینکه طوفان عالم گیر رو بخوابیدن رفت اساسنامه‌ای برای تأسیس دارالمعلمین توسط حکیم الملک وزیر فرهنگ تصویب شد و پس از ختم جنگ توسط نصیرالدوله بدر وزیر فرهنگ (در کابینه وثوق الدوله) در ۱۲۹۷ خورشیدی اجرا گردید و دارالمعلمین مرکزی بریاست ابوالحسن فروغی و دارالمعلمیات بریاست ریشاردخان مؤدب الملک تأسیس گشت.

از دارالمعلمین مرکزی صدها نفر فارغ التحصیل شدند که عده‌ای از آنها تحصیلات خود را در ایران و خارجه تعقیب نمودند و مصدر خدمات مهم فرهنگی شدند که برای مثال میتوان چندتن را که در قید حیات هستند در اینجا نام برد:

مهندس عبدالله ریاضی رئیس سابق دانشکده فنی و رئیس کنونی مجلس شورای ملی - دکتر فخرالدین شادمان وزیر سابق اقتصاد و بازرگانی و نایب التولیه پیشین آستان رضوی - مهندس فروغی رئیس سابق دانشکده هنرهای زیبا و نماینده سابق مجلس شورای ملی - پرفسور فاطمی و دکتر پارسا و دکتر فرشاد و دکتر محمد قریب و دکتر عباس ریاضی استادان دانشگاه - دکتر غلامحسین مصاحب استاد سابق دانشسرای عالی و معاون سابق وزارت فرهنگ - سید حسن دها استنادار سابق اصفهان - حبیب یغمائی مدیر مجله یغما و استاد دانشسرای عالی ...

در اوایل سلطنت رضاشاه که در کلیه امور و شئون مملکت روح جدید ظاهر شد لزوم تربیت معلم بحدی مورد عنایت واقع گردید که قانون اعزام محصل بخارجه در ۱۳۰۷ وضع شد و به پیشنهاد آقای تقی زاده نماینده مجلس مقرر گشت که ۳۵ درصد از دانشجویان اعزامی برای رشته تعلیم و تربیت باشد. عده کثیری از استادان کنونی دانشگاه کسانی هستند که بموجب همان قانون از طرف دولت برای معلمی بخارجه اعزام شدند. چند سال بعد توجه به تربیت معلم بجائی رسید که در ۱۳۱۲ لایحه‌ای توسط کارشناسان فرهنگ تنظیم شد و در ۱۹ اسفند ۱۳۱۲ بنام قانون تربیت معلم بتصویب مجلس رسید. بموجب قانون مذکور دولت مکلف شد که در ظرف ۵ سال ۲۵ باب دانشسرای مقدماتی در مملکت تأسیس و نگاهداری کند و فارغ التحصیلان

آنها به ترتیب معینی استخدام و بآموزگاری مشغول شوند .
 در نتیجه اجرای قانون تربیت معلم بتدریج در تهران و شهرهای مهم مملکت
 چون تبریز و مشهد و اصفهان و شیراز و کرمان و زاهدان و رضائیه و اهواز و نیشابور و
 نظایر آنها عمارت‌های مناسب و وسیع برای شاگردان شبانه روزی دانش سراها ساخته
 شد بطوریکه در ۱۳۴۰ سی باب دانش سرای مقدماتی و دوازده باب دانش سرای کشاورزی
 وجود داشت که از مجموع آنها در حدود سالی دوهزار آموزگار بیرون می آمد که بعضی
 از آنها تحصیلات خود را دنبال کردند و هم اکنون از دبیران برجسته یا استادان دانشگاه
 هستند مانند آقایان دکتر یارشاطر - دکتر خوانساری - دکتر نیساری - نقیب زاده -
 دامادزاده - حرّی - سعیدی سیرجانی ...

در قانون تربیت معلم برای دانش سراها پنج نکته اساسی تصریح شده که
 باید در اینجا دلایل علمی آن مختصراً تشریح شود. آن پنج نکته عبارت است از
 اینک:

۱- دانش سراها شبانه روزی باشد .

۲ کسانى پذیرفته شوند که سالم و دارای گواهی نامه دوره اول

متوسطه باشند .

۳- دوره تحصیل علمی و عملی آنها دو سال باشد.

۴- تعهد بسپارند که پس از فراغ از تحصیل پنج سال آموزگاری کنند.

۵- در دبستان ضمیمه دانش سرا عملاً تدریس و تمرین کنند.

عده ای تصور کرده اند که علت شبانه روزی کردن دانش سراها اینست که
 شاگردان بی بضاعت را در آنها بپذیرند و کمکی به معشیت آنها بکنند در صورتیکه
 علت و سبب واقعی اینست که تنها در مدرسه شبانه روزی پرورش صورت میگیرد و معلمی که
 حقیقه تربیت نشده باشد و برای این شغل خطیر او را مهیا نکرده باشند معلم نیست.
 در شبانه روزی عده ای بایکدیگر بنحو خاصی و در تحت نظم و ترتیب معینی زندگی
 میکنند و این نظم و ترتیب مطابق اصول علمی برای نیل به هدف مشخصی است که
 بر نامه آنها را تشکیل میدهد . در دانش سراهای شبانه روزی عادات مطلوبی که

آموزگار باید داشته باشد در نهاد شاگرد مخمر میشود مانند عادت بمطالعه و تحقیق - عادت بتفکر و تحریر - عادت بمشاهده - عادت بدقت - عادت بکار کردن با دست - عادت بهمکاری با سایرین که بیش از هر عادت دیگری در این سرزمین مورد نیاز است ... فایده مهم دیگر شبانه روزی بودن دانش سراها اینست که شاگردان در ضمن اشتغال بکارهای فوق برنامه مانند انجمن ورزش - انجمن نطق و مناظره - انجمن کتابخانه - انجمن نمایش و موسیقی و نظیر آن چون از روی میل طبیعی و رغبت هر يك از آنها را برمی گزینند باطن خود را آشکار میسازند و سیرتشان ظاهر میشود و اولیای مدرسه با اخلاق واقعی آنها پی می برند و آنچه ناشایسته باشد اصلاح میکنند و چنانچه از عهده بر نیایند کسانی را که مثلا ایمان ندارند یا عقاید افراطی هستند از گریزان هستند یا حوصله و شکیبائی ندارند یا دارای عقاید افراطی هستند از زمره داوطلبان آموزگاری خارج میکنند و بمدارس دیگر راهنمایی مینمایند. بنا بر این دانش سرا باید شبانه روزی باشد تا بتوان افراد شایسته را از غیر صالح تشخیص داد و کسانی را که واجد شرایط هستند برای آموزگاری مهیا و آماده کرد.

در دوسه سال اخیر سازمان تربیتی و فرهنگی ملل متحد (موسوم به یونسکو) کمیسیونی معین کرد تا نواقص کار تربیت معلم را در آسیا از روی مشاهده و تحقیق تعیین کند و گزارش دهد. نتیجه مشاهدات و تحقیقات کمیسیون در دوم ماه مه ۱۹۶۲ (۱۲ اردیبهشت ۱۳۴۱) منتشر شده و خلاصه آن ترجمه و در شماره نهم مجله رسمی آموزش و پرورش مورخ آبان ۱۳۴۲ بطبع رسیده است. مطابق نظر کمیسیون مذکور یکی از مهمترین علل ضعف و نقص تعلیمات ابتدائی در آسیا این است که «دانش آموزان دانش سراهای مقدماتی همه شبانه روزی نیستند در صورتی که برای تربیت معلم خوب شبانه روزی دارای مزایای انکارناپذیر می باشد» (صفحه ۳۸ مجله نامبرده). بقیه دارد.